و دستاوردهای آن در منطقه جنوب غرب آسیا، مطالعه موردی کشورهای عربی!

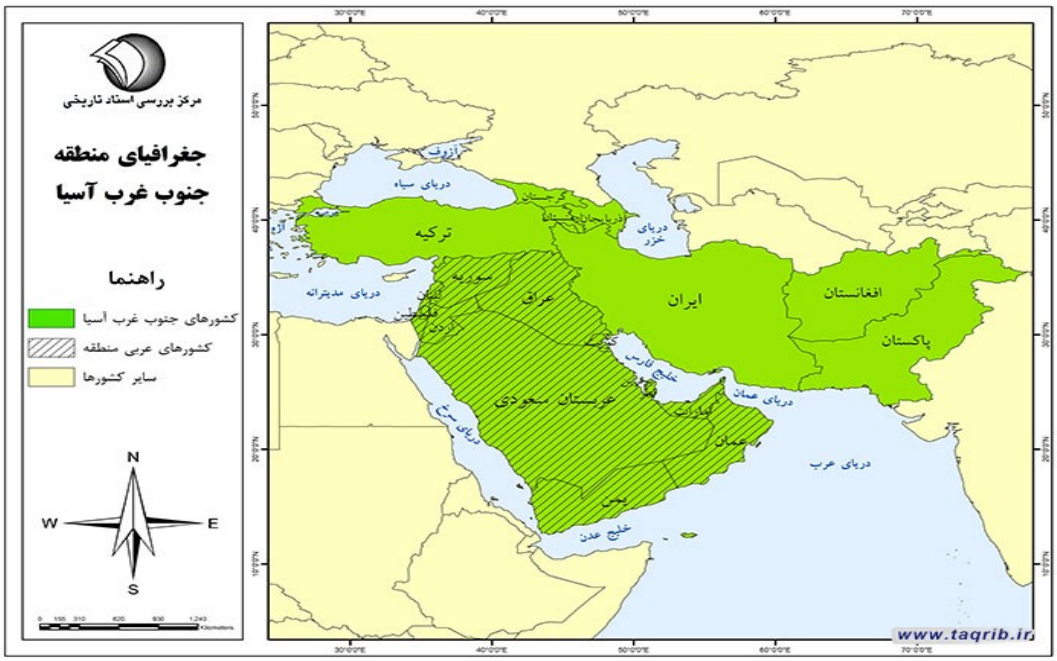

مقدمه

انقلاب اسلامی سال 1357 از جمله تحولات نادر در تاریخ سیاسی ایران به شمار می‌رود که دامنه اثرگذاریِ آن در مرزهای سرزمینی محدود نماند و نه تنها در سطح جهانی نظام دوقطبی قرن بیستم را دگرگون کرد، بلکه بر سایر مناطق جغرافیایی پیرامون خود نیز تأثیر گذاشت. پدیده‌هایی چون انقلاب با توجه به ماهیت و ارزش‌هایی که دارند، این توانایی را می‌توانند داشته باشند که به سایر مناطق نفوذ کرده و نواحی پیرامونی را تحت‌الشعاع قرار دهند. هرچند که مبدأ و خاستگاه سرزمینی انقلاب اسلامی، کشور ایران است ولیکن به دلیل مبانی و ارزش‌های اسلامی آن، هیچ‌گاه به جغرافیای سیاسی ایران محدود نشد و با توجه به ریشه مکتبی این انقلاب و تأکید بر اندیشه‌های اسلامی، تمامی مسلمانان جهان را به‌طور اعم و شیعیان را به‌طور اخص مورد خطاب قرار داد و آن‌ها را با خود همراه ساخت. از آنجا که غالب جمعیت مسلمان و شیعه جهان در منطقه جنوب غربی آسیا حضور دارند، لذا جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان نظام برآمده از انقلاب اسلامی، توجه شایانی به این منطقه دارد و با توجه به عوامل مجاورت جغرافیایی، لزوم گسترش فرهنگ اسلامی و همچنین مسئله رژیم اشغالگر اسرائیل در غرب منطقه،

همواره راهبردها و استراتژی‌های ایران تحت عنوان ژئوپلیتیک مقاومت، معطوف به جنوب غربی آسیا و کشورهای این منطقه است. بنابر این نظر به اهمیت منطقه مذکور، در مقاله حاضر به بررسی دستاوردها و تأثیر انقلاب اسلامی در منطقه جنوب غربی آسیا با تأکید بر کشورهای عربی آن پرداخته خواهد شد.

جنوب غرب آسیا

منطقه جنوب غرب آسیا با داشتن امکانات و موقعیت ممتاز جغرافیایی و همچنین با داشتن منابع غنی از اهمیت ویژه ژئوپلیتیکی[1] برخوردار می‌باشد. این منطقه که در محل اتصال سه قاره آسیا، آفریقا و اروپا قرار دارد، محل پیدایش اولین تمدن بشری بوده و خاستگاه اولیه ادیان توحیدی به شمار می‌آید. برخی از کشورهای این منطقه به علت موقعیت خاص جغرافیایی و منابع سرشار نفت و گاز از حساسیت ژئوپلیتیکی بسیار بالایی برخوردارند.[2]این منطقه ژئوپلیتیکی 19 کشور مستقل را شامل می‌شود که عبارت از ایران، ترکیه، سوریه، عراق، اردن، لبنان، فلسطین اشغالی، عربستان، یمن، عمان، امارات متحده عربی، قطر، بحرین، کویت، پاکستان، افغانستان، آذربایجان، ارمنستان و گرجستان می‌باشد.[3]

معمولاً غربی‌ها این منطقه را خاورمیانه می‌نامند که بنا به دلایل جغرافیایی و ژئوپلیتیکی این اصطلاح هیچ‌گونه توجیه علمی ندارد و به کار بردن آن اشتباه می‌باشد، لذا از استفاده چنین عنوانی در مطالعه حاضر اجتناب شده است.[4]اصطلاح خاورمیانه را نخستین‌بار آلفرد ماهان [5] در اشاره به منطقه‌ای میان عربستان و هند یعنی خلیج فارس مورد استفاده قرار داد که مناسبت ویژه‌ای برای استراتژی دریایی داشت؛ از آن زمان به بعد این واژه کاربرد یافت.[6] تقسیم‌بندی آسیا به «خاور نزدیک»، «خاور میانه» و «خاور دور» براساس پیش‌فرض متکی بر گفتمان «خودمحور بودن» یا «خود را مرکز جهان سیاسی دانستن» از سوی اروپاییان در آغاز و سپس از سوی آمریکاییان و دور و میانه و نزدیک قلمداد کردن سرزمین‌های آفریقایی و آسیایی بر مبنای دوری و نزدیکی آن‌ها نسبت به اروپا یا ایالات متحده آمریکا استوار بود.[7] به همین جهت است که آیت‌ا‌ خامنه‌ای رهبرمعظم انقلاب اسلامی در دیدار خود با اساتید دانشگاه‌ها به‌تاریخ 22 /05 /1391 تأکید کردند: «البته من اصرار دارم این منطقه را غرب آسیا بگویم، نه خاورمیانه. تعبیر خاور دور، خاور نزدیک، خاور میانه درست نیست. دور از کجا؟ از اروپا. نزدیک به کجا؟ به اروپا. یعنی مرکز دنیا اروپاست؛ هر جایی که از اروپا دورتر است، اسمش خاور دور است؛ هر جا نزدیکتر است، خاور نزدیک است؛ هر جا وسط است، خاورمیانه است! این

تعریفی است که خود اروپایی‌ها کردند. نه؛ ما این را قبول نداریم. آسیا یک قاره‌ای است. شرقی دارد، غربی دارد، وسطی دارد. ما در غرب آسیا قرار داریم. بنابر این منطقه ما اسمش منطقه غرب آسیاست، نه منطقه خاورمیانه.»[8]

مبانی جهان‌شمول انقلاب اسلامی

ژئوپلیتیک ایران پس از انقلاب اسلامی متأثر از مفاهیم و استراتژی‌هایی چون صدور انقلاب، تشکیل امت واحده اسلامی، نه شرقی ـ نه غربی، آمریکاستیزی، اسرائیل‌ستیزی، دفاع از مظلومان و آزادی‌خواهان جهان، حمایت از جنبش‌های آزادی‌بخش، ام‌القری‌شدن و خروج از پیمان سنتو و ورود به پیمان عدم تعهد؛ ماهیتی انبساطی پیدا کرده است.[9] همچنین به چالش‌کشیدن سلطه فرهنگی غرب از طریق تفکرات رهایی‌بخش و استکبارستیز، اعطای خودباوری به ملت‌ها و معرفی اسلام به‌ عنوان یک شیوه زندگی، گشایش جبهه ثالث در نظام بین‌الملل از طریق حمایت از حرکت‌های استقلال‌طلبانه و تشویق ملت‌ها به معنویت، پرچمداری انقلاب فرهنگی جهان و... پایه‌های اصلی تفکر انقلاب اسلامی را تشکیل می‌دهند. بنابر این مشاهده می‌شود که انقلاب اسلامی با توجه به ایدئولوژی و اندیشه‌هایی که مبانی آن را پی‌ریزی کرده است، نمی‌تواند به سرزمین مشخصی محدود باشد، لذا از نظر جغرافیایی ماهیتی فرامرزی دارد. چنانچه بُعد فرامرزی آن در اصول 3، 11، 152 و 154 قانون اساسی به‌عنوان سند بالادستی حکومت نیز بازتاب داده شده است. جهت تبیین چرایی و چگونگی نقش انقلاب اسلامی و حضور آن در سایر کشورها، نیازمند است تا ارزش‌های اساسی آن مورد بحث قرار گیرد. لذا در ادامه به برخی از مهم‌ترین مبانی و ارزش‌های جهان‌شمول انقلاب اسلامی اشاره خواهد شد.

1. بسط اندیشه‌های اسلامی

بسیاری از انقلاب‌ها به علت ایدئولوژی و مبانی فکری محدود خود توانایی گسترش و پخش در کشورهای مختلف را ندارند به همین دلیل گستره زیادی پیدا نمی‌کنند و از مرزهای ملی کشور فراتر نمی‌روند؛ مانند بسیاری از انقلاب‌هایی که تاکنون در گوشه و کنار جهان رخ داده ولی ارزش‌های آن در سایر کشورهای جهان فراگیر نشد. اما انقلاب‌هایی که اندیشه جهانی دارند اصولاً طرح و برنامه‌ای برای تمام

جهان ارائه می‌کنند که این خود منبعث از ایدئولوژی این نوع انقلاب‌هاست.[10]اسلام، دارای اندیشه‌ای جهانی است و بدون شک، پایه‌های انقلابی که بنا به چنین اندیشه‌ای پی‌ریزی شده باشد نیز رویکردی جهانی خواهد داشت تا بتواند عقاید و ارزش‌های اصیل اسلامی را در سرتاسر جهان منعکس کند و آن را اشاعه دهد.

لذا از جمله اهداف بنیادین انقلاب اسلامی، گسترش اندیشه‌های اسلام ناب محمدی(ص) در ورای مرزهای سرزمینی ایران بود و در این راستا همنوایی با انقلاب اسلامی در حوزه پیرامونی ایران بسترهای صدور انقلاب[11]را فراهم کرد.

اندیشه جهانی اسلامی دعوت به خیر و نیکی و عدالت می‌کند و بنا بر دخالت در امور هیچ کشوری در آن مطرح نیست، بلکه ارائه یک طرح و نقشه بر اساس مبانی اسلامی و اجتهادی منطبق بر عصر حاضر برای بهروزی و سعادت بشر است. کشورهای استعمارگر غربی و شرقی از آن جایی که بیداری ملت‌ها را علیه منافع خود می‌دانند، با همه ادعاهای پربازتاب خویش در زمینه دمکراسی، گفتگو، آزادی عقاید و حقوق بشر؛ دعوت به اسلام ناب محمدی(ص) را برنمی‌تابند زیرا می‌دانند این دعوت و تبلیغ آن چنان اثرگذاری شگرفی دارد که مبانی اعتقادی، سیاسی، اقتصادی و سیطره جهانی آنان را به چالش می‌کشاند و راه را برای آگاهی توده‌های مستضعف می‌گشاید.

اوایل انقلاب این همنوایی و تکاپو در عراق بیشتر مشهود بود. مردم شهرهای عراق، چون نجف و کربلا در روز 23 بهمن 1357، تظاهراتی شبیه به ایران برپا نمودند. در پی آن تظاهراتی در شهرهای کاظمین، الثوره، بغداد و دیاله به رهبری شهید آیت‌ا‌ محمدباقر صدر برقرار شد. حتی در آغاز انتفاضه جدید مردم عراق، یعنی در سال 1370، آن‌ها همانند تظاهرکنندگان ایرانی مخالف شاه، شهر حلبچه را به خمینی‌شهر نام‌گذاری کردند و کنترل شهرها را به دست گرفتند.[12] در مراتب بعدی می‌توان به تحرک شیعیان منطقه اشاره کرد. شیعیان کشور عربستان سعودی اندکی پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، در شهرهای قطیف، صفرا، اباقیق، خنجی و شیهات دست به تظاهرات زدند. تظاهرات مشابهی در سال 1357 در شهرهای قونیه، یوزکات و کوجائیلی ترکیه صورت گرفت. در بحرین نیز تحرکات مردم به سوی سرنگونی رژیم پادشاهی بود.[13]

بنابر این یکی از آثار انقلاب اسلامی، پخش اندیشه سیاسی اسلام در منطقه و خلیج فارس و سراسر جهان بود که به دنبال آن بیداری مسلمانان منطقه و جنبش‌های اسلام‌خواهی را ـ که با حکومت‌های خودکامه حاکم بر کشورها در تعارض بود ـ موجب شد. در ابتدا این امر نگرانی‌های زیادی را برای دولت‌های

منطقه و ابرقدرت‌ها به‌وجود آورد، به‌طوری که از این پدیده جدید نه تنها آمریکا متضرر شد، بلکه شوروی نیز با داشتن جمهوری‌های مسلمان‌نشین خود از پخش اندیشه انقلاب اسلامی که در مجاورت آن به وقوع پیوسته بود، به شدت احساس خطر می‌کرد. این احساس خطر مشترک دو ابرقدرت از انقلاب اسلامی، آن‌ها را به وحدت رویه در تقابل با انقلاب اسلامی سوق داد و رفتار آن‌ها در جنگ عراق علیه ایران، مصداق روشنی بر این وحدت رویه بود. این وحدت رویه در رفتار اقمار آن‌ها در منطقه خلیج فارس نیز منعکس شد؛ به‌طوری‌که شیخ‌نشین‌های جنوب خلیج فارس، به‌ویژه عربستان سعودی و کویت که خود از انقلاب اسلامی احساس خطر می‌کردند، در جنگ عراق علیه ایران، از هیچ نوع مساعدتی[14] به عراق دریغ نکردند.[15]

2. تحقق امت واحده اسلامی

یکی از اهداف و آرمان‌های انقلاب اسلامی تحقق امت واحده اسلامی است. امام خمینی(ره) با ایده «تشکیل دولت اسلامی متشکل از جمهوری‌های آزاد و مستقل» و مقام معظم رهبری آیت‌ا سید علی خامنه‌ای با ایده «تشکیل تمدن نوین اسلامی» طرح‌هایی برای تحقق این آرمان بزرگ قرآنی ارائه کردند. بدون شک در مسیر تحقق این آرمان موانع متعددی وجود دارد. عوامل قومی و مذهبی به همراه ملی‌گرایی، شکاف‌های عمیقی بین جوامع اسلامی ایجاد کردند. نظام سلطه به رهبری آمریکا نیز با سرمایه‌گذاری بر این شکاف‌ها و فعال کردن آن‌ها، مانع از وحدت سیاسی جهان اسلام شده است.[16]

با این حال یکی از تأثیرات مهم انقلاب اسلامی تأکید بر محوریت امت[17] اسلامی به جای تأکید صرف بر کشورها است. انقلاب اسلامی در واقع با تأکید بر وحدت شیعه و سنی، تقریب مذاهب اسلامی و نفی فرقه‌گرایی مذهبی، درصدد برآمد تا میان ملت‌های مسلمان وحدت ایجاد کند و از سویی پروژه امت‌سازی را عملی نماید. همچنین بر اساس هنجارهای موجود در متون مذهبی تشیع، امت اسلامی معیار اصلی است، نه دولت سرزمینی دارای حاکمیت. بر پایه این عقیده، امت اسلامی در فراسوی مرزهای ایجاد شده توسط استعمار قرار دارد. مستضعفین و مظلومان جهان نیز در این واحد معنا می‌یابند که می‌بایستی به کمک آن‌ها شتافت. از این رو سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و نهضت مقاومت نشأت‌گرفته از آن، بایستی در خدمت اهداف امت اسلامی بوده و منافع آن‌ها را در اولویت قرار دهد.[18]

در اینجا منظور از وحدت شیعه و سنی، ادغام این دو نیست، بلکه از منظر اندیشه انقلاب اسلامی، پیروان

این دو مذهب بزرگ اسلامی بایستی در کنار یکدیگر جهت تحقق اهداف عالیه اسلام گام بردارند. چنان‌که رهبر انقلاب آیت‌ا‌ خامنه‌ای در این زمینه اشاره کرده‌اند: «اگر ما می‌گوییم که شیعه و سنی در کنار هم قرار بگیرند، یعنی شیعه شیعه بماند؛ سنی هم سنی بماند. ما چه موقع به عالم تسنن گفته‌ایم که منظورمان از وحدت این است که شما شیعه بشوید؟ ما چنین چیزی نگفته‌ایم. هر کس خواست شیعه بشود، از طریق علمی و از راه مباحثات عالمانه شیعه بشود. آن‌ها هم آزادند که بروند کار خودشان را بکنند. ما نمی‌گوییم شما مذهبت را عوض کن؛ ما می‌گوییم شیعه و سنی باید همیشه سر عقل باشند؛ همچنان که بحمدا‌ در دوران انقلاب اسلامی در کشور ما مشاهده شد. نگذارند دشمن از اختلافات این‌ها سوءاستفاده کند.»[19]

3. حمایت‌ از جنبش‌های آزادی‌بخش

جنبش‌های آزادی‌بخش یکی از انواع جنبش‌های اجتماعی است که هدف آن دگرگونی ساختارهای سیاسی است. ماهیت عدالت‌خواهانه، ضددیکتاتوری و استقلال‌خواهانه انقلاب اسلامی ایران نوعی هم‌نوایی با سایر انقلاب‌ها و جنبش‌های آزادی‌خواهانه برقرار ساخت. از این رو یکی از رسالت‌های جمهوری اسلامی حمایت از جنبش‌های آزادی‌بخش جهان در راستای به دست آوردن استقلال و خروج آن‌ها از زیر سلطه قدرت‌های استعماری و استکباری تعریف شد. متأثر از چنین رویکردی، ایران کانون انقلابیون جهان و تهران محل رفت‌وآمد نمایندگان جنبش‌های آزادی‌بخش شد، به‌ طوری که رهبران سازمان آزادی‌بخش فلسطین بلافاصله پس از پیروزی انقلاب در روز 28 بهمن 1357 وارد تهران شد و با امام خمینی(ره) دیدار کردند. در این ملاقات یاسر عرفات امام را رهبر و معلم اول فلسطین و مسلمانان جهان نام برد. همچنین در تاریخ 7 اسفند 1357 هیئتی متشکل از نمایندگان جبهه پولیساریو کشور صحرای غربی(مراکش) با امام خمینی در منزل ایشان دیدار کردند. رهبر جمهوری اسلامی در این دیدار به هیئت نمایندگی پولیساریو اطمینان داد انقلاب ایران همواره یار و پشتیبان ملت‌های مسلمان جهان خواهد بود. در تیرماه 1358 نیز احمد ناصر رهبر جبهه آزادی‌بخش اریتره با مقامات سیاسی ایران دیدار کرد. بر این اساس وضعیت موجود در ایران فضای جدیدی برای جنبش‌های آزادی‌بخش فراهم کرده بود که به سهولت به کنش‌گری سیاسی می‌پرداختند.[20]

4. دفاع از مظلومان و مستضعفان جهان

جمهوری اسلامی ایران سعادت انسان در کل جامعه بشری را آرمان خود می‌داند و استقلال و آزادی و حکومت حق و عدل را حق همه مردم جهان می‌شناسد. بنابر این در عین خودداری کامل از هرگونه دخالت در امور داخلی ملت‌های دیگر از مبارزه حق‌طلبانه مستضعفین در برابر مستکبرین در هر نقطه از جهان حمایت می‌کند.[21] انقلاب اسلامی با ارائه خط‌مشی و راهبردهایی همچون دعوت از ملت‌ها برای بازگشت به ارزش‌های اصیل‌شان، بیان آثار سوء و مخرب سلطه قدرت‌های استکباری بر ملت‌ها، اقدام به ایجاد «فرهنگ و تفکر ظلم‌ستیزی و نفی سلطه در جهان» کرد.[22] آیت‌ا‌ خامنه‌ای در تاریخ 26 مرداد 1394 و در تبیین سیاست جمهوری اسلامی در حمایت از کشورها و جریان‌های سیاسی اعلام کردند که عوامل قومی و مذهبی هیچ تأثیری در حمایت‌ ما از گروه‌های اسلامی ندارد و ملاک اصلی، حمایت و دفاع از مظلوم است: «ما در حمایت از مظلوم، نگاه به مذهب طرف مقابل نمی‌کنیم و نکردیم؛ خط امام بزرگوار این بود. امام همان رفتاری را که با مقاومت شیعه در لبنان داشت، همان رفتار را با مقاومت سنی در فلسطین [هم] داشت؛ بدون هیچ تفاوتی.»[23]

5. محوریت مکتب شیعه

انقلاب اسلامی حامل نوعی ایدئولوژی اسلامی ـ شیعی بوده است که در نوع خود یکی از ابعاد محوری بازیگران مختلف محور مقاومت از ایران و روسیه گرفته تا حزب‌ا‌، گروه‌های فلسطینی و غیره است. با وقوع انقلاب اسلامی در ایران، هنجارهای ناشی از فرهنگ اسلامی مبتنی بر آموزه‌های مکتب شیعه به‌عنوان یکی از مهم‌ترین منابع شکل‌دهنده جمهوری اسلامی ایران، برای این نظام به‌صورت یک ایدئولوژی سیاسی درآمد و علاوه بر تکوین هویتی خاص بر آن، یک نظام اخلاقی و ارزشی خاص را نیز برای قضاوت و داوری درخصوص سیاست‌ها، اقدامات و رفتارهای این کشور و سایر کشورها ایجاد و تعیین می‌کند.[24]

ماهیت اسلامی و شیعی انقلاب ایران موجب شد که شیعیان جهان از جمله در لبنان، عراق، بحرین، افغانستان، پاکستان، قفقاز و... نیز از انقلاب اسلامی تأثیر پذیرفتند و با خودآگاهی و هویت‌یابی، احزاب و سازمان‌های متعددی را در کشورشان برپا کنند. در این زمینه می‌توان به گروه‌ها و احزابی چون حزب‌ا‌ لبنان، حزب‌الدعوه عراق، نهضت اجرای فقه جعفری پاکستان و گروه‌های سیاسی دیگر شیعه اشاره کرد.[25]

6. ژئوپلیتیک مقاومت

ژئوپلیتیک مقاومت زبان حال طبقات تحت سلطه را منعکس می‌نماید که مملو از مبارزات ضدسلطه‌گری و مقاومت در برابر نیروی جبار دولت‌ها در سیاست‌های داخلی و خارجی آن‌ها می‌باشد.[26] در گفتمان اسلامی، مقاومت به معنای دفاع، ایستادگی، تسلیم خواسته طرف مقابل نشدن، تلاش در جهت تحقق‌بخشی به اراده خویشتن، مفهوم وسیعی است که همیشه در تاریخ بشر و در همه عرصه‌ها و حتی در دو جبهه حق و باطل وجود داشته و دارد؛ مقاومت حق در برابر باطل و یا باطل در مقابل حق. بنا بر این تعریف، یکی از مهم‌ترین اهداف ژئوپلیتیک مقاومت در اندیشه انقلاب اسلامی و به نوعی تحقق محور مقاومت، مقابله با ظلم و ستم رژیم صهیونیستی و نابودی این رژیم اشغالگر در فلسطین و سایر دولت‌های ظالم دست‌نشانده است.

حمایت‌های همه‌جانبه آمریکا از رژیم صهیونیستی، دست این رژیم را برای تجاوز و جاه‌طلبی باز گذاشته بود. شکست نظامی کشوهای عربی در مقابل این رژیم از یک سو و بی‌نتیجه ماندن تلاش‌های دیپلماتیک کشورهای عربی در سازمان ملل متحد برای به رسمیت‌شناختن خواسته‌هایشان مبنی بر حقوق فلسطینی‌ها و عقب‌نشینی اسرائیل از سرزمین‌هایی که در جریان جنگ شش روزه سال 1346 اشغال کرد، از عوامل مؤثر در اقناع جریان‌های اسلامی نسبت به این مسئله بود که تنها راه مقابله با اشغالگری‌ها و کشتار رژیم صهیونیستی، مقاومت است.[27]

تأثیر انقلاب اسلامی در کشورهای عربی منطقه

با توجه به مبانی مطرح‌شده از دلایل حضور اندیشه‌های انقلاب اسلامی در کشورهای منطقه جنوب غربی آسیا، لازم است که به‌طور جداگانه تأثیر انقلاب اسلامی و مهم‌ترین مظاهر حضور آن در این کشورها مورد بحث قرار گیرد. لذا ابتدا کشورهای حوزه شامات (شامل عراق، سوریه، لبنان، اردن و فلسطین) و سپس کشورهای شبه‌جزیره عربستان (شامل عربستان سعودی، کویت، قطر، بحرین، امارات متحده عربی، عمان و یمن) مطالعه خواهند شد.

لازم به ذکر است که تأثیر انقلاب اسلامی در کشورهای منطقه به‌طور یکسان و یکنواخت انجام نگرفته است و عمق نفوذ اندیشه‌های انقلاب در این کشورها، به علل گوناگون جغرافیایی، مذهبی، جمعیتی، ایدئولوژیکی، سیاسی، ژئوپلیتیکی و... بستگی داشته است، بنابر این پذیرش اندیشه‌های انقلاب اسلامی توسط دولت‌ها و مردمان کشورهای این منطقه با توجه به توان پذیرش آن‌ها متفاوت بوده است. پرداخت مطالعاتی به هر یک از این کشورها نمی‌تواند به یک اندازه و به‌طور یکسان صورت گیرد؛ چرا که برخی کشورها (مانند لبنان) به علت پذیرش بالایی که در جذب ایدئولوژی انقلاب اسلامی داشته‌اند، نیازمند بررسی مفصل‌تری نسبت به برخی دیگر از کشورها هستند که کمتر پذیرای آرمان‌های انقلاب بوده‌اند.

1. عراق

عراق به دلیل همجواری جغرافیایی با ایران، وجود اماکن مذهبی، اکثریت جمعیت شیعه، حضور امام خمینی در زمان تبعید، اشتراکات فراوان تاریخی، فرهنگی، دینی و... از جمله کشورهایی بود که از انقلاب اسلامی تأثیر پذیرفت. قبل از انقلاب ایران، شیعیان عراق به رغم اکثریت بودن، کمترین سهم را در قدرت و ساختار سیاسی داشتند؛ بدین‌ترتیب طبیعی بود که تأسیس حکومتی دینی با ویژگی اسلامی و مبتنی بر آموزه‌های شیعی، اکثریت جمعیت شیعه را تحت‌تأثیر قرار دهد. از همان روزهای اولیه آغاز انقلاب و انعکاس اخبار آن، توده‌های مردم عراق به‌خصوص شیعیان، عکس‌العمل‌های چشمگیری از خود نشان دادند. حزب‌الدعوه[28] نیز به‌عنوان یک تشکیلات شیعی، اگرچه در آن زمان حداقل بیست سال فعالیت داشت، ولی وقوع انقلاب موجب احیا، تشدید و توسعه فعالیت این حزب شد. در اثر گسترش حوزه نفوذ ایران و افزایش فعالیت‌های سیاسی شیعیان عراق، رژیم حاکم بعث با اسلام‌گرایان و مخالفان، به‌خصوص شیعیان و حزب‌الدعوه شدیداً برخورد کرد و آیت‌ا محمدباقر صدر رئیس حزب و خواهرش را اعدام نمود.[29]

پایه‌گذاری مجلس اعلای انقلاب اسلامی عراق در تهران (سال 1361) یکی از مهم‌ترین مظاهر تأثیرپذیری مردم کشور عراق از انقلاب اسلامی ایران بود. مجلس اعلای انقلاب اسلامی عراق توسط جمعی از اعضای حزب‌الدعوه عراق در تهران پایه‌گذاری شد. در آن زمان آیت‌ا سید محمود هاشمی شاهرودی به‌عنوان نخستین رئیس این تشکیلات برگزیده شد. مقامات عالی‌رتبه مجلس اعلای انقلاب اسلامی عراق در زمان حکومت رژیم بعث، در ایران زندگی و فعالیت می‌کردند. پس از فروپاشی حکومت صدام نیز که مقر این مجلس به شهر نجف منتقل شد، روابط مقامات آن با مسئولان ایران در سطحی بسیار گسترده و نزدیک حفظ شد.[30]

از تأثیرات دیگر انقلاب اسلامی در سال‌های اخیر کشور عراق، می‌توان به تشکیل حشدالشعبی در دوران سیطره داعش اشاره کرد. حشدالشعبی یا نیروهای بسیج مردم در ژوئن 2014م (خرداد 1393ش) با فتوای

جهادی آیت‌ا‌ سیدعلی حسینی سیستانی، در زمانی که ارتش عراق از هم گسیخته بود و داعش مناطق عمده‌ای از استان‌های دیاله، صلاح‌الدین، انبار و نینوا را در اختیار داشت، به‌وجود آمد. در ابتدا بدنه اصلی این نیرو را شیعیان تشکیل می‌دادند که در ادامه سنی‌ها، مسیحیان و اکراد نیز به آن ملحق شدند. الحاق حشد‌الشعبی ضمن کاهش بار نظامی یگان‌های ارتش، در آزاد سازی تکریت، آمرلی و جرف‌الصخر از دست داعش مؤثر بود. حشدالشعبی تحت فرماندهی نخست‌وزیر عراق است و آمریکا همواره مدعی است که حشدالشعبی توسط سازمان بدر، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و حزب‌ا‌ لبنان هدایت عملیاتی می‌شود. بعد از تشکیل حشدالشعبی، نوری‌المالکی معاون نخست‌وزیر وقت عراق در مصاحبه‌ای اعلام کرد که این نیرو با الهام از بسیج ایران تأسیس شده است. ظهور داعش در عراق و مسئله مبارزه با تروریسم، همکاری‌های میان حشدالشعبی و ایران و گروه‌های مقاومت را بیش از گذشته ضروری‌تر کرد. نیروهای مقاومت عراقی نیز مانند برخی از متحدان خود در محور مقاومت از الگوی اسلام ناب مبتنی بر ولایت فقیه، ترویج فرهنگ شهادت، رویکرد جهان‌وطنی به اسلام و الزام پشتیبانی از جریان‌های مقاومت اسلامی در فراتر از مرزهای جغرافیایی تبعیت می‌کنند.[31]

2. سوریه

روابط ایران با سوریه جزء روابط با دوام و مستحکم به شمار می‌آید. این روابط حسنه با گذار از مراحل مختلف تحول گسترده‌ای پیدا کرد و توانست بحران‌های بزرگ منطقه‌ای را پشت سر گذارد و روابط خارجی این دو کشور در زمینه‌های سیاسی، اقتصادی، نظامی و امنیتی گسترش یابد. روابط دو کشور تحت‌تأثیر شرایط محیطی حاکم بر منطقه قرار گرفت. از آغاز انقلاب اسلامی که به دلیل ماهیت اسلامی آن، مخالفت آمریکا و متحدان عرب منطقه با این انقلاب را دربرداشت تا جنگ ایران و عراق و محاصره اقتصادی عراق بعد از جنگ کویت، این دو کشور متحد یکدیگر بوده‌اند و همکاری‌های مختلفی را در زمینه‌های سیاسی و نظامی انجام داده‌اند. حکومت حاکم بر سوریه از متحدان نزدیک اتحاد جماهیر شوروی و مخالف سرسخت آمریکا از یک سو و رژیم بعثی حاکم بر عراق بود. سیاست خارجی حافظ اسد در اواخر دهه 1970م (اواخر دهه پنجاه شمسی) مقابله با پیمان کمپ دیوید بود که توسط مصر با اسرائیل امضا شد و به حالت نه جنگ و نه صلح بین دو کشور خاتمه داد. حافظ اسد به دنبال یک هم‌پیمان جدید برای مقابله با اسرائیل بود، بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، ایران از به رسمیت‌شناختن اسرائیل خودداری کرد و حمایت خود را از جریان‌های مقاومت اسلامی در لبنان و فلسطین اعلام داشت. روابط ایران و سوریه در چارچوب استراتژی مشترک دو کشور در رابطه با تحولات منطقه‌ای می‌باشد. به‌عنوان مثال اختلاف و تضاد منافع دو کشور با رژیم بعثی عراق و نیاز سوریه به تقویت حضور نظامی خود در لبنان و حمایت از گروه‌های مقاومت فلسطین برای جلوگیری از نفوذ اسرائیل در لبنان که به مثابه یک تهدید

مستقیم علیه امنیت سوریه تلقی می‌شد. بعد از پایان جنگ سرد و حاکم شدن موقتی نظام تک‌قطبی به رهبری آمریکا، اتحاد و همکاری بین ایران و سوریه بیش از پیش افزایش یافت. دو کشور در زمینه توسعه موشک‌های بالستیک و کمک‌های تسلیحاتی و مالی از حزب‌الله و نیروهای مقاومت فلسطینی برای فشار به اسرائیل و تأثیرگذاری در فلسطین و لبنان را در دستور کار خود قرار دادند.[32]

یکی از گروه‌های مقاومت که در زمان بحران سوریه[33] تشکیل شد، جیش‌الشعبی بود که مانند حشدالشعبی نظر به مبانی انقلاب اسلامی و الگوپذیری از آن موجودیت یافت. در سوریه جیش‌الشعبی در تابستان 2012م (1391ش) به رهبری هلال اسد، هنگامی که بسیاری نظام سوریه را رو به سرنگونی می‌دانستند، تشکیل شد. جیش‌الشعبی نقش مهمی در پاکسازی حلب از تروریست‌های ارتش آزاد داشت. حماه، حمص، لاذقیه، طرطوس، دمشق و سویداء، مناطق عملیاتی این گروه بود. از نظر تحلیل‌گران غربی، تهران در ایجاد این نیرو شامل پنجاه هزار شبه‌نظامی، مؤثر بوده است. جیش‌الشعبی نیز مانند حشدالشعبی تحت‌تأثیر نیروی بسیج ایران شکل گرفته و مورد حمایت سپاه پاسداران و حزب‌الله لبنان است.[34]

3. لبنان

لبنان یکی از کانون‌های اصلی هدف محور مقاومت و اندیشه‌های انقلاب اسلامی در منطقه به شمار می‌رود. لذا جهت پی بردن به چرایی این مسئله، بایستی به ریشه‌های تاریخی و آغاز فعالیت‌های اسلامی در این کشور توجه نمود. از زمان استقلال لبنان در سال 1943م (1322ش) تا سال 1959م (1338ش) وضعیت سیاسی، اقتصادی و اجتماعی شیعیان نسبت به گروه‌های مذهبی دیگر اسفبار بود و از نظر اجتماعی و اقتصادی همواره در حاشیه قرار داشتند. جمعیت عمده‌ای از شیعیان در مناطق حاشیه‌نشین فقیر اطراف بیروت با حداقل امکانات برای زندگی ساکن بودند. مناطق اطراف بیروت، مرکزی برای قشر فقیر و محروم بود که از امکانات برابر محروم بودند و عدم وجود مؤسسات دولتی و خدماتی در این مناطق بیش از پیش بر مشکلات می‌افزود.

در چنین شرایطی، امام موسی صدر در سال 1955م (حدود سال 1334ش) به لبنان سفر کرد و مدتی را در شهر صور ساکن شد و با حجت‌الاسلام عبدالحسین شرف‌الدین از علمای بزرگ شهر صور آشنا شد. بعد از وفات عبدالحسین شرف‌الدین در 30 دسامبر 1957م (9 دی‌ماه 1336ش) اهالی شهر صور نامه‌ای را به امام موسی صدر که در قم بود نوشتند که طی این نامه از او خواسته شد که به لبنان بازگردد. امام موسی صدر دعوت را پذیرفت و در اواخر سال 1959م (1338ش) به لبنان بازگشت و در شهر صور سکونت گزید. وضعیت نابسامان شیعیان لبنان، محرومیت و فقر نسبی و به حاشیه رانده شدن آن‌ها توسط نخبگان سیاسی، امام

موسی صدر را بر آن داشت تا به فکر ایجاد اصلاحات اجتماعی و فرهنگی در بین شیعیان لبنان افتد. علاوه بر مردم لبنان، بیشتر روزنامه‌ها و مطبوعات این کشور از امام موسی صدر جانبداری می‌کردند و به او القاب «پدر فقرا» و «رهبر ناجی» و... می‌دادند. کلیه این عوامل به جایگاه امام موسی صدر در لبنان اهمیت بخشیده و او را قادر ساخت تا نقش بزرگی را در صحنه سیاسی لبنان ایفا کند.[35]

سرانجام امام موسی صدر با کمک شیخ‌ عبدالأمیر قبلان، مجلس اعلای شیعیان لبنان را تأسیس کرد. از دیگر اقدامات امام موسی صدر، تأسیس سازمان امل بود. سازمان امل اولین جنبش اسلام‌گرای شیعی در لبنان بود که با تلاش‌های امام موسی صدر و شهید مصطفی چمران در سال 1974م (1353ش) تأسیس شد. هدف از تأسیس این سازمان تثبیت موقعیت شیعیان در جامعه متکثر لبنان بود. جنبش امل اولین جنبشی است که توانست در راستای احقاق حقوق شیعیان در لبنان فعالیتی موفقیت‌آمیز و چشمگیر از خود نشان دهد. همچنین این جنبش توانست انحرافاتی که جنبش چپ‌گرایی، سوسیالیستی و مارکسیستی، که در آن زمان بر جامعه شیعیان لبنان رخنه پیدا کرده بود، را دریابد.[36]

بنابر این همان‌طور که گفته شد، در بین کشورهای منطقه، لبنان بیش از هر کشور دیگری شرایط لازم را جهت تأثیرپذیری از انقلاب اسلامی داشت. جنبش‌های شیعه امل، امل اسلامی، حزب‌ا‌ و گروه سنی جنبش توحید اسلامی تحت‌تأثیر مستقیم انقلاب اسلامی پدید آمده یا فعال شدند. به‌ویژه حزب‌ا‌ که از سال 1982م (1361ش) و اشغال جنوب لبنان و بیروت توسط رژیم صهیونیستی، با ضربات خود که با گروه‌های دیگر مقاومت نیز همکاری می‌کرد، توانست نیروهای این رژیم را از لبنان اخراج کند. در نبرد مشهود 33 روزه در سال 1385 نیز اسرائیل در مقابل مقاومت حزب‌ا‌ تسلیم شد و طعم ناکامی را چشید. این ناکامی اسرائیل تاکنون تأثیرات بزرگی در صحنه داخلی لبنان و منطقه داشته است.[37]

حزب‌ا‌ به‌عنوان یک جنبش مخالف سیاسی و اجتماعی به دنبال شکست لبنان از اسرائیل (1361ش) و تحت‌تأثیر آرمان‌های انقلاب اسلامی در میان شیعیان پدید آمد. این حزب در سال‌هایی که تمام کشورهای عربی گزینه سازش را مطرح می‌کردند، با شعار مقاومت برای شکست اسرائیل و بازپس‌گیری زمین‌های اشغالی، توانست جوانان را جذب نماید.[38] حزب‌ا‌ لبنان نظریه ولایت فقیه را به‌طور کامل پذیرفته و معتقد به انتقال قدرت به ولایت فقیه در زمان غیبت امام زمان(عج) است. حزب‌ا‌ در منطقه در جبهه مقاومت و به همراه ایران و سوریه و مقاومت فلسطین، به مبارزه با سلطه‌جویی‌های آمریکا و اسرائیل و همراهی‌ دولت‌های مرتجع عرب با آن‌ها می‌پردازد. این حزب یک حزب صرفاً ملی و معمولی نبوده و با کسب پیروزی‌های متعدد توانسته به‌صورت الگو و سرمشق نیروهای سیاسی اسلام‌گرا در منطقه آسیای غربی درآید. بنابراین این حزب دارای تأثیر و تأثرات متقابل با تحولات منطقه است. از نظر ایدئولوژی عنصر

اصلی ارتباطی بین ایران و حزب‌ا‌، اسلام ناب شیعی مبتنی بر نظریه ولایت فقیه است که در شرایط سیاسی خاصی در ایران قدرت گرفت.

4. فلسطین

اگرچه مسلمانان فلسطین شیعه نیستند، ولی با پیروزی انقلاب اسلامی، سرزمین‌های اشغالی نیز شاهد حرکت بزرگ بیداری اسلامی بود. انگلیس و آمریکا که از اواخر قرن نوزدهم مقدمات پدید آوردن صهیونیسم را در منطقه فراهم آوردند، از آغاز قرن بیستم با زور اسلحه و کشتار مردم فلسطین این سرزمین مقدس را اشغال کردند و سپس در سال 1948م (1327ش) با سوء استفاده از نفوذ و قدرت خود در سازمان ملل متحد، رژیم جعلی اسرائیل را ایجاد نمودند تا بدین‌رو تفکر «از نیل تا فرات» صهیونیست‌ها را با تصرف کشورهای اسلامی جامه عمل پوشانند و بر این منطقه ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک معروف به قلب دنیا، سلطه یابند. پیروزی صهیونیست‌ها بر کشورهای عربی ـ اسلامی و قرارداد ننگین کمپ‌دیوید که با وساطت آمریکا بین مصر و رژیم صهیونیستی در سال 1356 منعقد گردید، آغاز گرایش‌های سازش‌کارانه در سازمان آزادی‌بخش فلسطین (ساف) به رهبری یاسر عرفات، پرهیز سوریه از ادامه مبارزه مسلحانه و اقدامات اردن در سرکوب پایگاه‌های فلسطین در آن کشور، شرایطی را فراهم آورد که نه‌تنها امیدی به نجات فلسطین و کشورهای اسلامی نبود، بلکه رژیم صهیونیستی با حمایت آمریکا و اروپا سلطه خود در منطقه و کشورهای اسلامی را توسعه بخشید. اما انقلاب اسلامی ایران آغازی بر بیداری اسلامی در سطح منطقه و حرکت‌ ملت‌ها و گروه‌های اسلامی برای مقابله با صهیونیسم و استعمار بود و صحنه تحولات منطقه را دگرگون ساخت.[39]

مسئله اشغال فلسطین و حمایت از مسلمانان و مستضعفان جهان حتی قبل از پیروزی انقلاب اسلامی ایران توسط امام خمینی مطرح شده بود و ایشان همواره تا پایان عمر بر مسئله فلسطین و لزوم نابودی رژیم اشغالگر قدس، تأکید داشتند. یکی از مواردی که می‌توان تأثیرپذیری مردم کشورهای منطقه از گفتمان انقلاب اسلامی در مورد اهمیت مسئله فلسطین را ارزیابی کرد، برگزاری سالانه راهپیمایی روز جهانی قدس می‌باشد. انتخاب روز جهانی قدس در سال 1358 از طرف امام خمینی رهبر وقت ایران پیشنهاد شد. ایشان آخرین جمعه ماه رمضان هر سال را روز جهانی قدس نامگذاری کرد. این پیشنهاد از سوی مردم مسلمان کشورهای منطقه به‌ویژه شیعیان مورد پذیرش قرار گرفت.

جمهوری اسلامی ایران همواره با اقتدار و استقلال و با پذیرش هزینه‌های سیاسی بسیار، همچنان از جبهه مقاومت و مردم فلسطین و مصالح جهان اسلام دفاع کرده است. در سخت‌ترین شرایط فارغ از مذهب و عقیده

آن‌ها مدافع و حامی مظلومان بوده است. مدیریت جمهوری اسلامی ایران در لبنان در هیئت حزب‌ا‌ و در فلسطین در قالب حماس و جهاد اسلامی به‌عنوان جبهه مقاومت موفق عمل کرده است و تحت درایت هنرمندانه جمهوری اسلامی و عملکرد جریان‌های مقاومت، جهان اسلامی و جغرافیای عرب پس از شش دهه در حال خروج از انزوا و انفعال است. درحالی که جبهه رعب‌آور صهیونیسم مسیحی به محوریت آمریکا و اسرائیل در دشوارترین شرایط سیاسی خود در تاریخ هدایت منطقه به سر می‌برند.[40]

مهم‌ترین گروه‌ها و جریان‌های مقاومت در فلسطین که تحت‌تأثیر انقلاب اسلامی ایران شکل گرفتند عبارتند از:

1. جنبش جهاد اسلامی: این گروه در سال 1981م (1359ش) تأسیس شد و از ابتدای فعالیت، هدف خود را آزادسازی فلسطین از طریق مبارزه مسلحانه و تشکیل حکومت اسلامی اعلام کرد. از نظر تبار فکری، رهبران این جریان به دلیل حضور در مصر تحت‌تأثیر جریان اخوان‌المسلمین و بعد از پیروزی انقلاب ایران، تحت‌تأثیر انقلاب اسلامی قرار گرفته‌اند.

تأثیرپذیری جهاد اسلامی به‌عنوان یک جریان سنی‌مذهب از انقلاب اسلامی ایران و ولایت فقیه که بر اساس رویکرد تشیع بود، در میان جنبش‌های اسلامی بی‌سابقه بود و از این رو برخی از جریان‌های رادیکال و سلفی در فلسطین این گروه را متهم به شیعه‌بودن می‌کنند و مردم را از آن برحذر می‌دارند. مهم‌ترین وجه مشترک جهاد اسلامی و انقلاب اسلامی ایران این است که حرکت اولیه هر دو جریان از مساجد آغاز شد و مساجد مراکزی مهم برای دعوت و مبارزه علیه استبداد و استعمار بوده‌اند و اقشار مبارز در مساجد برای مبارزه سازماندهی می‌شدند. از طرف دیگر، جهاد اسلامی نیز همانند انقلاب اسلامی ایران رویکرد وحدت‌مآبانه نسبت به مذاهب و فرقه‌های مختلف اسلامی دارد و هرگونه تفرقه میان آن‌ها را کمک به اهداف دشمنان اسلامی تلقی می‌کند. از این رو جهاد اسلامی نسبت به دیگر گروه‌های فلسطینی پیوندهای عمیق و وثیقی با حزب‌ا‌ لبنان دارد و در طول تحولات و اتفاقات منطقه‌ای مواضع هم‌سو با محور مقاومت را اتخاذ کرده است.

2. جنبش مقاومت اسلامی (حماس): این جنبش در جریان انتفاضه اول فلسطین در سال 1987م (1366ش) توسط شیخ احمد یاسین و عبدالعزیز رنتیسی تأسیس شد. به دنبال جنبش حماس بسیاری از اعضای اخوان‌المسلمین به این گروه پیوستند. حماس برخلاف دیگر گروه‌های اسلام‌گرای فلسطینی روابط گسترده‌ای با کشورهای عربی ـ اسلامی مختلف داشته است و با وجود فعالیت‌های نظامی، به مشارکت سیاسی در انتخابات محلی نیز می‌پردازد. این گروه علاوه بر مبارزات مسلحانه گسترده با اسرائیل (مانند طوفان‌الأقصی در 15 مهر

1402) همواره نقش مؤثری در برگزاری کمپین‌های اعتراضی و راهپیمایی‌های بدون خشونت علیه اسرائیل داشته است که این امر نشان‌دهنده توانایی‌های این گروه در سازماندهی توده‌های مورد حمایت خود می‌باشد.[41]

5. عربستان سعودی

نخستین نشانه‌های ظهور ایدئولوژی انقلاب اسلامی در میان شیعیان عربستان، تنها چند ماه پس از پیروزی انقلاب بروز یافت. انتفاضه سال 1979م (1357ش) از میان مساجد شیعی در منطقه شرقیه شروع شد. در این میان، سخنرانی‌های متبحرانه شیخ صفار در دهه اول محرم آن سال نقش اساسی را برعهده داشت. صفار در صحبت‌های خود، تصویری انقلابی از اسلام ارائه نمود. بدین‌ترتیب، بسیج توده‌های شیعه شروع شد و این آغاز احقاق حق‌خواهی شیعیان منطقه شرقیه بود. از این پس شیعه به مسئله اصلی و دغدغه مهم دستگاه سیاسی امنیتی داخلی سعودی تبدیل شد. قیام عاشورا باعث شد تا سرمایه‌گذاری بیشتر برای عمران و آبادانی منطقه شرقیه به اجرا درآید تا در پی آن حکومت بتواند کنترل خود را بر مناطق نفت‌خیز همچنان حفظ کند. هرچند که همچنان تبعیض‌های مذهبی به قوت خود باقی بود.[42]

شیعیان در عربستان اصلی‌ترین گروه معترض به سیاست‌های وهابیون را تشکیل می‌دهند. این گروه که در مناطق شرقی عربستان و اندکی هم در جنوب این کشور واقع شده‌اند، همواره از سیاست‌های سرکوب، تبعیض اجتماعی و اقتصادی و خفقان مذهبی ناراضی بوده‌اند. با توجه به این‌که عمده نفت عربستان از مناطق شرقی این کشور استحصال می‌گردد، اما وضع امکانات و رفاه این مناطق به شدت ضعیف است.

همواره حکومت عربستان سعودی تلاش داشته است تا از طرق گوناگون جلوی پخش پدیده انقلاب اسلامی را بگیرد؛ از تشکیل شورای همکاری خلیج فارس[43] و کمک به رژیم بعثی عراق در زمان حمله به ایران گرفته تا کشتار حجاج ایرانی. با وقوع حج خونین و ایجاد اختلال در روابط سیاسی ایران و عربستان، وضعیت شیعیان این کشور نیز متعاقب همین امر رو به وخامت نهاد و حکومت سعودی فشارهای مضاعفی را بر ایشان وارد نمود. در پی این حادثه، اعزام زائران ایرانی به حج متوقف شد و روند روابط دیپلماتیک به پایین‌ترین سطح خود بین دو کشور تقلیل یافت. حمله به حجاج ایرانی از سوی پلیس سعودی باعث تشدید محدودیت علیه شیعیان عربستان شد. امام خمینی در پیام خود به مناسبت سالگرد حج خونین، مستقیماً سران دولت سعودی را مورد خطاب قرار داد و آنان را سرسپردگان آمریکا خواند:

«آمریکا و آل سعود حادثه مکه را یک مبارزه فرقه‌ای و نزاع قدرت میان شیعه و سنی ترسیم نموده و

ایران و رهبران آن را به عنوان کسانی که هوس رسیدن به یک امپراتوری بزرگ را در سر می‌پرورانند معرفی می‌کنند تا بسیاری از کسانی که از مسیر حوادث سیاسی جهان اسلام و نقشه‌های شوم جهانخواران بی‌خبرند تصور کنند که فریاد برائت ما از مشرکین و مبارزه ما برای کسب آزادی ملت‌ها در مسیر کسب قدرت سیاسی‌مان و گسترش قلمرو جغرافیای حکومت اسلامی است. البته برای ما و همه اندیشمندان و محققانی که از نیات پلید تشکیلات آل سعود باخبرند جای تعجب نیست که به ایران و حکومتی که از بدو پیروزی تا به حال فریاد وحدت مسلمین را سر داده است و در همه حوادث جهانِ اسلام خود را شریک غم و شادی مسلمانان می‌داند تهمت افتراق و جدایی مسلمانان را بزنند.» [44]

6. کویت

انقلاب اسلامی ایران که به منبع آگاهی و الهام‌بخشی جریان شیعی در منطقه تبدیل شد، اکثریت قریب به اتفاق شیعیان کویت را در بر گرفت. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران بود که شیعیان کویتی به‌عنوان دوستان تاریخی حکومت آل صباح به دو جریان تقسیم شدند: 1) جریان سنتی که به لحاظ منافع اقتصادی به حکومت مرتبط بود و مواضع انعطاف‌پذیری را در قبال حکومت اتخاذ می‌کرد و خواستار بعضی اصلاحات اقتصادی، اجتماعی و مذهبی بود؛ 2) جریانی انقلابی که تحت‌تأثیر انقلاب اسلامی ایران بود و خواستار سقوط آل صباح و تغییر حکومت به شیوه ایران بود.

انقلاب اسلامی ایران که روحیه انقلابی را در میان شیعیان کویتی و به‌خصوص قشر جوان انتشار داد، موجب بروز حرکت‌هایی در میان شیعیان شد. از جمله در تظاهراتی که توسط جوانان کویتی صورت گرفت، پرچم شاهنشاهی ایران از ساختمان سفارت پایین کشیده شد و پرچم دیگری که روی آن عبارت «ا اکبر» نوشته شده بود، برافراشته شد. این تظاهرات اولین حرکت مردمی به شمار می‌رود که خواستار رهبری دینی شیعیان در کویت از سال 1938م (1317ش) بود و این حرکت سیاسی یک نوع جهش کیفی برای شیعیان محسوب می‌شد؛ به‌ویژه این‌که این تظاهرات منجر به درگیری شیعیان و نیروهای ویژه امنیتی شد که تلاش می‌کردند مانع تظاهرات شوند و تعدادی از شرکت‌کنندگان را دستگیر نمایند. سرانجام پس از سقوط رژیم شاهنشاهی، هیئتی به سرپرستی سید عباس مُهری به‌منظور دیدار با امام خمینی راهی ایران شد. این هیئت، تبریک و حمایت خود را نسبت به انقلاب اسلامی ایران ابراز کرد و با امام خمینی رهبر انقلاب اسلامی در تهران دیدار کرد.[45] آثار پیروزی انقلاب اسلامی و گسترش اندیشه‌های شیعی به رهبری امام خمینی بر جامعه شیعیان کویت خیلی زود بروز نمود و تفکر اسلام انقلابی را در میان شیعیان رشد داد و به‌تدریج بر پیروان خط امام افزوده شد.[46]

7. قطر

قطر از جمله کشورهایی است که اندیشه‌های انقلاب اسلامی در آن نسبت به سایر کشورهای منطقه کمتر ظهور و بروز یافته است، اما روابط این کشور با نظام جمهوری اسلامی در سطح مطلوبی قرار دارد. در نظام جمهوری اسلامی، روابط ایران و قطر بر اساس تعالیم و رهنمودهای مقام معظم رهبری که توجه ویژه‌ای به مسائل خلیج فارس و روابط با کشورهای کرانه جنوبی خلیج فارس مبذول می‌فرمایند، روزبه‌روز گسترش فزاینده‌ای یافته است و پیوندهای استواری بین ملت ایران و قطر به وجود آمده است؛ به‌طوری‌که در دیدار مقامات دولت قطر با دولتمردان ایرانی، بارها از روند رو به گسترش روابط این دو کشور اظهار خشنودی شده است.[47]

عوامل فرهنگی همگرایی میان ایران و قطر عبارتند از: 1- داشتن روابط دیرینه تاریخی و فرهنگی بین قطر و جزایر جنوب ایران، 2- اسلام به‌عنوان دین مشترک، 3- وجود ایرانیان به‌عنوان نیروهای متخصص و سرمایه‌گذار در کشور قطر (حدود 10 درصد)، 4- صنعت توریسم و طبیعت ایران. عوامل فرهنگی واگرایی نیز عبارتند از: 1- وجود تعارضات هویتی، فرهنگی (رابطه خصمانه اعراب و ایرانی‌ها) در طول تاریخ منطقه، 2- انقلاب اسلامی به‌عنوان تهدیدی برای هویت ملی‌گرایی قطری‌ها، 3- تفاسیر و ارائه الگوی متفاوت از اسلام (قطر الگوی اخوانی را در منطقه ترویج می‌کند)، 4- ایران‌هراسی و شیعه‌هراسی تحت‌تأثیر تبلیغات منفی عوامل منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای.[48]

8. بحرین

تأثیر انقلاب اسلامی ایران بر کشورهای اسلامی به‌طورکلی و بر بحرین به‌طور اخص، از همان زمان شکل‌گیری انقلاب اسلامی آغاز شد. در بدو پیروزی انقلاب تا وقوع جنگ تحمیلی، سرعتِ پخشِ انقلاب اسلامی در میان شیعیان بحرین در اوج قرار داشت؛ اتفاقاتی که در بحرین اتفاق افتاد این اثرگذاری را به‌خوبی نشان می‌دهد: مردم بحرین با حمل پلاکارد تظاهرات عظیمی به حمایت و همبستگی با انقلاب اسلامی ایران برپا کردند. ملت مسلمان بحرین از اوایل نهضت، عملیات و تظاهرات بزرگ ملت مسلمان ایران علیه رژیم شاهنشاهی را پیگیری می‌کردند و لحظه‌ها در انتظار دریافت اخبار جدید از اوضاع داخلی ایران به سر می‌بردند. اهمیت اخبار ایران به جایی رسید که در بحرین هرکسی فکر می‌کرد این اخبار در داخل بحرین جریان دارد.[49]

نمود بارز تأثیرپذیری شیعیان بحرین از انقلاب اسلامی و سیاسی شدن آن‌ها، تشکیل «جبهه اسلامی برای

آزادی بحرین» بود. سابقه این جبهه به سال 1357 بازمی‌گردد؛ هنگامی که گسترش فعالیت‌ها تظاهرات‌های شیعیان بحرین تحت تأثیر مبارزات مردم ایران، با تبعید آیت‌ا‌ سید هادی مدرسی به این کشور توسط رژیم پهلوی همزمان شد. آیت‌ا‌ مدرسی پس از ورود به بحرین توانست فعالیت‌های شیعیان را سازماندهی کند و جبهه اسلامی برای آزادی بحرین را تأسیس نماید. فعالیت‌های این جبهه به رهبری مدرسی باعث شد رژیم بحرین او را بلافاصله از کشور اخراج کند. ترس از فعالیت‌های ضدحکومتی جبهه اسلامی و سایر گروه‌های شیعی، همچنین موجب شد دو دولت عربستان و بحرین در 20 دسامبر 1981م (29 آذر 1360ش) پیمان امنیتی مشترکی منعقد کنند.[50]

با توجه به اهمیت و وضعیت امنیتی بحرین، از دهه 1970م (دهه پنجاه شمسی) تا تحولات سال 2011م (1389ش) بحرین،[51] جنبش‌های سیاسی و اجتماعی در این کشور علاوه بر تلاش برای رفع استبداد داخلی و کسب آزادی‌های سیاسی و اجتماعی، یک وجهه بارز به خود گرفت که عبارت بود از موج اسلام‌گرایی و حرکت به سوی ارزش‌های اسلامی؛ نفوذ افکار اصلاح‌طلبی اسلامی از مصر، عراق و ایران به این کشور و به‌ویژه پیروزی انقلاب اسلامی این فرصت را به مبارزان مسلمان داد تا به‌طور جدی و فعال، خواهان اجرای اصول و ارزش‌های اسلامی در جامعه خود باشند.[52]

در میان علمای مجاهد بحرین نقش شیخ عیسی قاسم در پیگیری مطالبات به حق شیعیان بحرین و مخالفت و مبارزه با رژیم آمریکایی بحرین قابل توجه است. نقش ایشان آن چنان قوی و بیدارگرانه بود که رژیم آل‌خلیفه پس از آزار و شکنجه‌های بسیار در نهایت از وی سلب تابعیت نمود.[53]

هدف وی از فعالیت‌های اجتماعی مختلف مانند برگزاری نماز جمعه و تأسیس احزاب و تشکل‌ها، دفاع از حقوق شیعیان بحرینی اعلام شده است. او هم‌اکنون رهبر معنوی قیام مردم بحرین شناخته می‌شود و عضو شورای عالی مجمع جهانی اهل‌بیت است.

9. امارات متحده عربی

در میان کشورهای عربی، امارات متحده کمترین تساهل را نسبت به اسلام ناب داشته و بیشترین تلاش را برای تضعیف نفوذ این شکل از اسلام در سرتاسر جنوب غرب آسیا و شمال آفریقا صورت داده است. در مقابل، نظام سیاسی حاکم بر امارات از نوعی اسلام میانه‌رو یا اسلام غیرسیاسی و به تعبیر رهبر معظم انقلاب اسلامی، اسلام انگلیسی- آمریکایی حمایت می‌کند. این حمایت از اسلام غیرسیاسی از ریشه‌های فکری خاصی تغذیه می‌شود.[54] امارات متحده عربی کشوری مسلمان در جنوب غرب آسیا به شمار می‌آید که

شانزده درصد از جمعیت آن شیعه است. دیدگاه‌های گوناگونی در مورد پیدایش جمعیت شیعه در امارات متحده عربی نقل شده است[55] اما می‌توان از پیروزی انقلاب اسلامی ایران نیز به‌عنوان عاملی مهم در گرایش مردم این کشور به مذهب تشیع یاد کرد.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، موجی از شور و احساسات، مسلمانان تمامی منطقه را فراگرفت و شیعیان امارات نیز از این امر مستثنا نبودند. حاکمان امارات از این امر احساس خطر کردند و محدودیت‌های خاصی را بر شیعیان اعمال نمودند؛ لذا از نفوذ شیعیان در رأس امور و مشاغل حساس کشوری و لشکری بیش از گذشته خودداری کردند. البته تا امروز شیعیان از آزادی نسبی برخوردارند؛ این آزادی در ابوظبی نسبت به دوبی و شارجه کمتر است تا جایی که هیچ‌گونه فعالیت رسمی به نام شیعیان در پایتخت امارات انجام نمی‌شود. به‌طورکلی، حکومت و یا شهروندان برخوردهای نامطلوبی با شیعیان ندارند، ولی دولت همواره با تردید به آنان می‌نگرد و شیعیان را از هواخواهان و طرفداران ایران می‌داند. این شیعیان علی‌رغم این‌که ایران را قبله‌گاه خود می‌دانند، به سبب حساسیت‌های وهابیون موجود در دستگاه حاکم هیئت دولت، سعی می‌کنند از نزدیکی به نهادهای رسمی جمهوری اسلامی ایران و ابراز علاقه علنی به ایران خودداری ورزند. به‌ویژه ایرانیان مهاجر که تقریباً زیر ذره‌بین مقامات مذهبی امارات قرار دارند و در صورت انجام دادن فعالیت‌های مذهبی حساسیت‌برانگیز، اقامت آنان لغو می‌گردد و یا تمدید نمی‌شود.[56]

10. یمن

وحدت یمن[57] نقطه عطفی در تاریخ یمن و از تأثیرگذارترین وقایع منطقه به شمار می‌رفت که در نتیجه آن یمن روابط خودش را با کشورهای منطقه از جمله ایران توسعه داد. ایران یکی از حامیان اصلی وحدت یمن بود و این یک عامل مؤثر در پیوند میان ایران و یمن تلقی می‌شد، اما عربستان سعودی از این تحول سیاسی نگران بود.[58] عربستان سعودی همچنان به‌طور آشکار و نهان با استراتژی ایران‌هراسی و شیعه‌هراسی سعی دارد تا نفوذ ارزش‌ها و گفتمان انقلاب اسلامی را در یمن مهار کند؛ زیرا نفوذ ارزش‌های انقلاب اسلامی ایران را تهدیدی فزاینده علیه نظام آل سعود می‌بیند و در نتیجه سعی می‌کند تا با برجسته‌سازی تهدید جمهوری اسلامی و صرف هزینه‌های فراوان، با ارزش‌های انقلاب اسلامی ایران مقابله کند.[59]

مهم‌ترین حرکت سیاسی که نشانگر اوج تأثیرگذاری اندیشه‌های انقلاب اسلامی در این کشور را نشان می‌دهد در جریان انقلاب این کشور در سال 2011م (1389ش) و فروپاشی حکومت علی عبدا صالح، رخ داد.

با الهام‌گیری مردم تونس در قیام خود، از انقلاب اسلامی ایران و نیز بعد از آن مردم مصر ، جنبش بیداری اسلامی به مثابه یک الگو برای یمنی‌ها ظهور و بروز یافت. مردم یمن تحت تأثیر بیداری اسلامی، با بی‌توجهی به شکاف‌های اجتماعی و اختلافات قبیله‌ای، در سطح بسیار وسیع به خیابان‌ها آمدند و در مقابل رژیم صالح صف‌آرایی کردند و شعار سرنگونی نظام سر دادند، بدین‌ترتیب انقلاب مردم یمن بعد از رسیدن نسیم بیداری اسلامی در سطح ملی فراگیر شد.

شکل‌گیری گفتمان نهضت جنبش «حوثیه»ها[60] با غلبه صبغه اسلامی در آن، نمونه بارز دیدگاه اسلامی جنبش مردم یمن بود. حوثی‌ها در سال 2011م (1389ش) جنبش جوانان یمن را تأیید کردند و اسم جدید انصارا‌ را بر خود نهادند. انتخاب نام انصارا‌ نشان‌دهنده تسلط گفتمان اسلامی در آن است. به‌طورکلی انقلاب 2011 یمن را می‌توان پایانی بر دوره حاکمیت علی عبدا‌ صالح و نظام سیاسی اقتدارگرا و تک‌حزبی حاکم و آغازی برای مشارکت گسترده مردم در عرصه قدرت دانست. این انقلاب نه‌تنها تغییراتی در ساختار قدرت را هدف قرار داد، بلکه به تدریج به مطالبات گسترده‌تری پرداخت که از صرف تغییر نظام تک‌حزبی فراتر رفت؛ به‌گونه‌ای‌که تأثیرپذیری این حرکت متأثر و الگویی از انقلاب اسلامی را با خود داشت.

تأثیر انقلاب اسلامی بر یمن و تبدیل شدن این کشور به یکی از اصلی‌ترین جبهه‌های مقاومت را می‌توان در موارد زیر خلاصه کرد:

الف) مقاومت محوری: مشی مبارزاتی انصارا‌ مبتنی بر مقاومت محوری مسالمت‌آمیز و دوری از جنگ و برخوردهای قهرآمیز است. گفتمان مقاومت ضمن تأکید بر ایستادگی در برابر استکبار و نظام سلطه، همواره خود را به‌عنوان گفتمانی صلح‌طلب معرفی کرده است. در مورد قیام اخیر مردم یمن این عنصر بیشتر از سایر عناصر مشهود بود. از زمانی که مردم این کشور در اعتراض به ناکارآمدی دولت، تظاهرات خود در صنعا را شروع کردند، همواره بر مسالمت‌آمیز بودن تظاهرات تأکید داشتند. حتی در زمانی که لشکر یکم به فرماندهی محسن‌الاحمر به مواضع انقلابیون در صنعا حمله کرد، جنبش انصارا‌ به مواضع ارتش حمله نکرد و تنها به دفاع از خود در برابر تهاجمات مشغول بود؛ اما اوج صلح‌طلبی انقلاب دوم یمن در سال 2015م (1393ش) زمانی رقم خورد که با وجود استعفای عبد ربه منصور هادی رئیس‌جمهور و محسن‌الاحمر به‌عنوان نفر دوم یمن و تسلیم‌شدن گارد ویژه ریاست‌جمهوری و ارتش این کشور در برابر انقلابیون، الحوثی‌ها نه‌تنها به قیام خود ادامه ندادند بلکه با امضای توافقنامه صلح با دولت این کشور به همگان نشان دادند که این جنبش نه‌تنها یک گروه با بلوغ سیاسی بالا است، بلکه به هر قیمتی حاضر به دستیابی به اهدافش نیست و خشونت را به‌عنوان ابزاری برای رسیدن به اهداف نفی می‌کند.

ب) استقلال‌طلبی: گفتمان مقاومت همواره با رد هرگونه وابستگی به بیگانگان بر استقلال‌طلبی تأکید داشته است. در واقع عنصر استقلال‌طلبی به این گفتمان‌ها در بین جنبش‌ها و مکتب‌های سیاسی جایگاه ویژه‌ای بخشیده است. در مورد انقلاب یمن نیز مقامات جنبش انصارا‌ بارها در بیانیه‌ها و سخنرانی‌های خود بر این عنصر و نقش آن در ادامه برنامه‌های توسعه‌ای کشور تأکید داشته‌اند.

ج) استکبار و استبداد ستیزی: شاید بتوان فلسفه وجودی گفتمان مقاومت را مقابله با گفتمان سلطه تعریف کرد. در واقع این گفتمان زمانی قوام یافت که در مقابل خود نظام و گفتمانی به نام سلطه را یافت که فارغ از هرگونه چارچوب اخلاقی علیه ملت‌ها ظلم می‌کند. گفتمان مقاومت پاسخی به این ظلم و جور بود. از طرف دیگر از آن‌جایی که این گفتمان بر روی اسلام‌خواهی، آزادی‌خواهی، استقلال‌طلبی، صلح‌طلبی و... تأکید می‌کند، کاملاً مشخص است که با هرگونه استکبار و استبدادی مخالف است. در انقلاب یمن نیز شیعیان زیدی الحوثی علیه سال‌ها استبداد سیاسی قیام کردند و صنعا را به تصرف خود درآوردند. آن‌ها نه‌تنها با استبداد داخلی مبارزه کردند، بلکه با هرگونه مداخله استکبار جهانی و اشغالگری نیز مخالف هستند.

د) اسلام‌خواهی: یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های گفتمان مقاومت تأکید بر آموزه‌های اسلامی است. این گفتمان بیشترین تمرکزش بر اسلام‌گرایی و اسلام‌خواهی است. در واقع محور مرکزی این گفتمان اسلام‌خواهی می‌باشد و به تبعیت از آموزه‌های اسلام شکل گرفته است. در قیام مردم یمن نیز عنصر اسلام‌خواهی در شعارها قابل مشاهده است. اسلام و احکام اسلامی همواره در اندیشه‌های رهبر الحوثی‌ها دغدغه و مسئله اصلی بوده است. در واقع الحوثی‌ها که اکنون به‌عنوان مهم‌ترین گروه انقلابی مطرح شده‌اند، توانستند در یک دهه اخیر فرهنگ عاشورا را در بین مناطق شیعه به خوبی معرفی کنند. در صورتی که تا پیش از این، این فرهنگ در یمن چندان مطرح نبود. به‌طورکلی عنصر اسلام‌خواهی به‌عنوان عنصر مرکزی گفتمان مقاومت در قیام اخیر مردم یمن مشهود است.[61]

جمع‌بندی

در این نوشتار، ابتدا به پایه‌ها و مبانی عقیدتی انقلاب اسلامی پرداخته شد و سپس نقش و اثرگذاری انقلاب اسلامی در کشورهای عربی منطقه جنوب غرب آسیا مورد مطالعه قرار گرفت. مهم‌ترین نتایجی که می‌توان از مباحث مطرح‌شده گرفت، به شرح زیر است:

ـ انقلاب اسلامی به دلیل ماهیتی که دارد، فرامرزی و جهان‌شمول است و نمی‌تواند در پهنه جغرافیایی مشخصی محدود شود.

ـ منطقه جنوب غربی آسیا به‌واسطه این‌که ایران در آن واقع شده و از سوی دیگر، مرکز اصلی تجمع مسلمانان و شیعیان جهان است، برای جمهوری اسلامی ایران حائز اهمیت بوده و به همین علت ارزش‌های انقلاب اسلامی در آن به سرعت فراگیر شده است.

ـ گستره جغرافیایی انقلاب اسلامی در کشورهای منطقه به شرایط مختلف جغرافیایی، جمعیتی، ایدئولوژیکی، سیاسی و ژئوپلیتیکی این کشورها بستگی دارد، لذا هر کشور میزان پذیرش متفاوتی در قبال ارزش‌های انقلابی داشته است.

ـ کشورهای عراق، سوریه، یمن، لبنان و نواحی فلسطینی بیشترین پذیرش؛ و کشورهایی مانند بحرین، عربستان سعودی، امارات متحده عربی، اردن و قطر کمترین میزان پذیرش را نسبت به اسلام ناب و ایدئولوژی انقلابی و مقاومت در برابر دشمنان و بیگانگان معاند را داشته‌اند.

پی‌نوشت‌ها:

[1]. ژئوپلیتیک علم بررسی روابط متقابل جغرافیا، سیاست و قدرت است.

[2] . یعقوبی، سامره؛ عزتی، عزت‌ا‌ و رومینا، ابراهیم (1398). تبیین الگوی همگرایی منطقه‌ای مورد: جنوب غرب آسیا. فصلنامه جغرافیایی سرزمین، سال شانزدهم، شماره 63، ص 82.

[3] . بر اساس نظر جمعی از اعضای هیئت مدیره انجمن ژئوپلیتیک ایران در جلسه مورخ 15 /4 /1387؛ بنگرید به: یعقوبی و همکاران، همان، ص 81.

[4] . اصطلاح خاورمیانه شامل همه سرزمین‌های واقع در بخشی از جهان می‌شود - از شمال آفریقا گرفته تا حدود هندوستان و از قفقاز گرفته تا آن سوی دریای سرخ - و به‌عنوان یک منطقه جغرافیایی-سیاسی (منطقه ژئوپلیتیک) مورد توجه قرار می‌گیرد. گذشته از این که خاور و باختر واقعی وجود ندارد، چه

رسد به وجود داشتن میانه؛ این بخش پهناور از گیتی که آشکارا هیچگونه هماهنگی و همگنی در پدیده‌های محیطی آن دیده نمی‌شود، نمی‌تواند به‌عنوان یک منطقه ژئوپلیتیک واحد مورد بحث و بررسی قرار گیرد. آن بخش از جهان که خاورمیانه خوانده می‌شود، در حقیقت مجموعه‌ای از چند منطقه ژئوپلیتیک جداگانه و متمایز مانند خلیج فارس، شامات، مغرب یا آفریقای شمالی و غیره است که هر یک به دلیل هماهنگی‌ها و همگنی‌های موجود در پدیده‌های محیطی خود یک منطقه مشخص و مستقل از دیگر مناطق است. آنچه برای تسهیل مطالعه جهان و منطقه آسیا می‌تواند با واقعیت‌های جغرافیایی هماهنگی داشته باشد، تقسیم مطالعاتی قاره پهناور آسیا به «آسیای باختری»، «آسیای مرکزی»، «آسیای جنوبی»، «آسیای جنوب خاوری»، «آسیای صغیر» (آناتولی) و غیره است که هر یک از همگنی‌های ضروری میان عوامل و پدیده‌های شکل‌دهنده یک منطقه به معنی حقیقی برخوردار است. ر.ک: مجتهدزاده، پیروز (1397). فلسفه و کارکرد ژئوپولیتیک، چاپ سوم، تهران: انتشارات سمت، ص 167.

[5] . آلفرد تایر ماهان فارغ‌التحصیل آکادمی دریایی آمریکا و خالق نظریه «قدرت دریایی». برای مطالعه در زمینه دیدگاه‌های ژئوپلیتیکی ماهان بنگرید به: عزتی، عزت‌ا (1390). ژئوپولیتیک در قرن بیست‌ویکم، چاپ چهارم، تهران: انتشارات سمت، ص 54-61.

[6] . کمپ، جفری و هارکاوی، رابرت (1399). جغرافیای استراتژیک خاورمیانه، ترجمه سیدمهدی حسینی متین، جلد اول، چاپ دوم، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی، ص 36.

[7] . مجتهدزاده، پیروز (1397). فلسفه و کارکرد ژئوپولیتیک، چاپ سوم، تهران: انتشارات سمت، ص 168-167.

[8] https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=20729 .

[9] . حافظ‌نیا، محمدرضا؛ احمدی‌پور، زهرا و بویه، چمران (1391). انقلاب اسلامی و پیدایش ژئوپلیتیک جدید ایران. فصلنامه پژوهشنامه انقلاب اسلامی، سال دوم، شماره 5، ص 1.

[10] . قاسمیان، علی (1394). تأثیر انقلاب اسلامی ایران بر تحولات سیاسی نظام بین‌الملل. فصلنامه مطالعات سیاسی، سال هشتم، شماره 30، ص 187.

[11]. در صدور انقلاب اسلامی ایران سه گروه هدف مورد توجه هستند: 1) ملت‌های تحت ستم و یوغ استعمار

و استبداد، 2) جنبش‌های رهایی‌بخش به خصوص از نوع اسلامی در سطح جهان، 3) دولت‌هایی که یا در استضعاف نگه داشته شده‌اند و یا تحت سیطره استعماری گرفتار شده و خواسته یا ناخواسته مجری خواسته‌های آنان هستند.

[12]. حافظ‌نیا و همکاران، همان، ص 11.

[13] . شیرودی، مرتضی (1383). انقلاب اسلامی ایران و جنبش‌های جهان اسلام. نشریه رواق اندیشه، شماره 30، ص 34.

[14] . مساعدت‌هایی از قبیل پرداخت دلار برای هزینه‌های جنگ، در اختیار گذاشتن امکانات و راه‌های حمل‌ونقل دریایی و خشکی، انتقال نفت صادراتی عراق به‌وسیله لوله، تأمین نفت و سوخت مورد نیاز ماشین جنگی عراق، تهیه اطلاعات جاسوسی از طریق هواپیماهای آواکس برای عراق، موضع‌گیری‌های سیاسی و فرهنگی و دیپلماتیک در صحنه بین‌المللی، بسیج نیرو و امکانات علیه ایران، آزار و اذیت ایرانی‌ها و طرفداران جمهوری اسلامی، قطع رابطه دیپلماتیک و کشتار حجاج ایرانی در مکه (9 مرداد 1366) توسط عربستان.

[15] . حافظ‌نیا، محمدرضا و ربیعی، حسین (1394). خلیج فارس و نقش استراتژیک تنگه هرمز، چاپ یازدهم، تهران: انتشارات سمت، ص 51.

[16] . زارعان، احمد (1398). برسازی مفهوم امت شهروند در ژئوپلیتیک مقاومت. فصلنامه مطالعات راهبردی جهان اسلام، سال بیستم، شماره 1 (پیاپی 77)، ص 162.

[17] . کلمه امت از ریشه عربی «ام» به معنی آهنگ، قصد و عزیمت، پیشوا، جلودار و اقتدا کردن و ترکیبی از سه معنی حرکت، هدف و تصمیم خودآگاهانه جامعه یا گروه انسانی است. امت یعنی وجود جمعی از مردم که بین افرادش روابط و پیوندهایی بر اساس مجموعه‌ای از افکار و آرمان‌ها و مبانی وجود دارد؛ به‌ عبارتی دیگر امت به مجموعه‌ای از انسان‌ها اطلاق می‌شود که هدف و مقصدی واحد آن‌ها را گرد هم جمع کرده باشد. مفهوم امت از دو جنبه با مفهوم ملت تفاوت دارد: نخست این که ملت وابسته به سرزمین مشخصی است، یعنی مفهومی درون ‌مرزی دارد، حال آن که امت مفهومی فرامرزی است. دوم این که امت پدیده‌ای ناشی از جمع‌آمدن مردمان بر گرد یک باور دینی ویژه که جنبه فرامرزی دارد، می‌باشد. ر:ک مجتهدزاده، پیروز (1381). جغرافیای سیاسی و سیاست جغرافیایی، تهران: انتشارات سمت، ص 62؛ و

زارعی، بهادر (1390). تحلیل تئوری امت در قلمرو جغرافیای سیاسی اسلام. فصلنامه سیاست، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره چهل‌ویکم، شماره 3، ص 155.

[18] . هدایتی شهیدانی، مهدی و بابایی، محمدرضا (1399). محور مقاومت؛ شرحی بر ویژگی‌ها و وجوه مختلف، چاپ اول، تهران: مؤسسه مطالعات اندیشه‌سازان نور، ص 48.

[19] . حسینی خامنه‌ای، 11 /07 /1369. به نقل از: برازش، علیرضا (1398). وحدت و همگرایی از منظر حضرت آیت‌ا العظمی سیدعلی خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب اسلامی، چاپ چهارم، تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر، ص 17.

[20]. حافظ‌نیا و همکاران، همان، صص 16-17.

[21]. اصل 154 قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.

[22] . رضاپور، حسین (1391). تأثیر انقلاب اسلامی بر نظام بین‌الملل. فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی، سال نهم، شماره 31، ص 154.

[23]http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=1298 .

[24]. هدایتی شهیدانی و بابایی، همان، ص 45.

[25] . احمدی، سیدعباس؛ واثق، محمود و جاسم‌نژاد، مسعود (1391). ژئوپلیتیک شیعه و ارتقای جایگاه ایران در خاورمیانه پس از انقلاب اسلامی. پژوهش‌های جغرافیای انسانی، شماره 80، ص 82. در باره تأثیر انقلاب اسلامی ایران در افغانستان بنگرید به: بررسی تأثیر انقلاب اسلامی و دست‌آوردهای آن در سطح منطقه‌ای و جهانی، مطالعه موردی افغانستان، سایت مرکز بررسی اسناد تاریخی.

[26]. عزتی، عزت‌الله؛ خضری، دلشاد و رحیمی، علی (1393). بررسی ژئوپلیتیک مقاومت شیعیان در بحرین به دنبال تحولات خاورمیانه و شمال آفریقا. نشریه نگرش‌های نو در جغرافیای انسانی، سال ششم، شماره سوم (پیاپی 23)، ص 39.

[27] . هدایتی شهیدانی و بابایی، همان، ص 75. درباره جنگ شش روزه اعراب و اسرائیل بنگرید به:جنگ شش روزه اعراب و اسرائیل در سال 1346 و موضع‌گیری قاطع امام خمینی(ره) علیه رژیم اشغالگر اسرائیل ، سایت مرکز بررسی اسناد تاریخی.

[28]. حزب‌الدعوه در سال 1957م (1336ش) توسط آیت‌ا‌ سید محمدباقر صدر و سید مهدی حکیم تأسیس شد و یکی از احزاب با سابقه شیعه در عراق می‌باشد. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران فعالیت این حزب در عراق ممنوع شد و بسیاری از اعضای این حزب به ایران مهاجرت کردند.

[29] . حافظ‌نیا، محمدرضا و احمدی، سیدعباس (1388). تبیین ژئوپلیتیکی اثرگذاری انقلاب اسلامی بر سیاسی‌شدن شیعیان جهان. فصلنامه شیعه‌شناسی، سال هفتم، شماره 25، ص 86.

[30]. همان، ص 93.

[31]. همان، ص 34 و 152.

[32]. همان، ص 90.

[33] . منظور جنگ داخلی سوریه است که از اواخر سال 1389 آغاز شد و موجب درگیری‌های نظامی میان ارتش سوریه و گروه‌های تروریستی گردید.

[34]. همان، ص 152.

[35] . مرکز بررسی اسناد تاریخی (1379). امام موسی صدر به روایت اسناد ساواک، جلد دوم، چاپ اول، تهران: انتشارات مرکز بررسی اسناد تاریخی، ص 365. همچنین بنگرید به:9 شهریور سالگرد ربوده شدن احیاء کننده شیعیان لبنان، امام موسی صدر ؛ نامه اخلاقی و عرفانی امام خمینی(ره) به امام موسی صدر در سال 1353 ؛نگاهی به زندگی مجاهد مخلص شهید دکتر مصطفی چمران، سایت مرکز بررسی اسناد تاریخی.

[36]. همان، ص 72-73.

[37]. همان، ص 54.

[38]. حافظ‌نیا و احمدی، همان، ص 86.

[39] . صالحی، جواد و شهابی، مهدیه (1391). تأثیر انقلاب اسلامی ایران بر بیداری اسلامی منطقه خاورمیانه. دوفصلنامه بیداری اسلامی، سال اول، شماره 1، ص 57.

[40] . موسوی، سید روح‌ا‌ (1391). بیداری اسلامی و تأثیر انقلاب اسلامی ایران بر آن در خاورمیانه. فصلنامه فرهنگ پژوهش، دوره پنجم، شماره 12، ص 11. درباره موضع علمای شیعه و امام خمینی در قضیه فلسطین بنگرید به:جستاری بر مواضع برخی از مراجع تقلید و آیات عظام شیعه درباره رژیم صهیونیستی، از آیت‌ا‌ حائری یزدی تا امام خمینی(رحمه‌ا‌ علیهما) ؛نگاهی به حمایت‌های مرحوم علامه سید محمدحسین طباطبایی از مجاهدان فلسطینی در سال 1349 ؛مخالفت و مقابله امام خمینی(ره) با رژیم اسرائیل ؛حمایت همیشگی امام خمینی(ره)، علماء و مردم مسلمان ایران از فلسطین ؛گفتار رادیو پیک ایران در باره مبارزه روحانیت با استکبار و حمایت امام خمینی از مبارزان فلسطینی در سال 1348 ، سایت مرکز بررسی اسناد تاریخی.

[41]. هدایتی شهیدانی و بابایی، همان، ص 116-118.

[42] . درخشه، جلال و جمیری، محمد (1390). انقلاب اسلامی ایران و تحول در حرکت شیعی عربستان سعودی. فصلنامه شیعه‌شناسی، سال نهم، شماره 36، ص 55.

[43] . در 25 مه 1981م (4 خرداد 1360ش) سران شش کشور شبه جزیره عربستان (شامل کویت، عربستان سعودی، قطر، بحرین، امارات متحده عربی و عمان) در ابوظبی گرد هم آمده و منشور شورای همکاری خلیج [فارس] را امضا کردند و موجودیت آن را رسماً اعلام داشتند. یکی از مهم‌ترین علل وجودی این شورا، احساس نیاز امنیتی بود که پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران آن را احساس کردند. برای مطالعه بیشتر در این زمینه بنگرید به: حافظ‌نیا، محمدرضا و ربیعی، حسین (1394). خلیج فارس و نقش استراتژیک تنگه هرمز، چاپ یازدهم، تهران: انتشارات سمت، ص 77-87.

[44] . صحیفه امام، «پیام به ملت ایران در سالگرد کشتار خونین مکه (قبول قطعنامه)»، 29 تیر 1367 شمسی/ 5 ذی‌الحجه 1408 قمری، جلد 21، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ص 79.

[45] . کیانی‌پور، مراد؛ قاسمیان، حمیرا و بندانی، معصومه (1395). تأثیر انقلاب اسلامی ایران بر

فعالیت شیعیان کویت. فصلنامه پژوهش‌های سیاسی، سال ششم، شماره 16، ص 64-65.

[46]. همان، ص 64.

[47] . جلیلوند، مسعود و کیخا، معصومه (1393). بررسی روابط بین ایران و قطر. فصلنامه پژوهش‌های سیاسی و بین‌المللی، سال پنجم، شماره 18، ص 75.

[48]. همان، ص82.

[49] . حزباوی، خالد و کریمی‌فرد، حسین (1395). نظریه پخش و تأثیر انقلاب اسلامی ایران بر شیعیان بحرین. فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام، سال پنجم، شماره 18، ص 197.

[50]. حافظ‌نیا و احمدی، همان، ص 88.

[51] . منظور جنبش بیداری اسلامی در کشورهای عربی و منطقه است که دامنه آن به بحرین نیز کشیده شد. شروع اعتراضات در بحرین از 4 فوریه 2011م (15 بهمن 1389ش) که اولین تظاهرات در حمایت از معترضین مصری در جلوی سفارت مصر بود، شکل گرفت. این اعتراضات ادامه یافت و حکومت آل‌ خلیفه که از گسترش قیام در بحرین و دچار شدن به سرنوشت تونس و مصر بیمناک بود، به شدت این جنبش را به کمک عربستان سعودی سرکوب کرد.

[52] . آدمی، علی؛ موسوی، سید محمدرضا و توتی، حسینعلی (1391). تحولات انقلابی بحرین و تعارضات مذهبی و ژئوپلیتیکی ایران و عربستان سعودی، فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین‌المللی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرضا، شماره 10، ص 148. با توجه به تاریخ مفصل بحرین و افراد مؤثر در کنش‌های تاریخی- سیاسی آن

[53] . شیخ احمد قاسم معروف به شیخ عیسی قاسم (متولد ۱۳۱۵ش)، عالم شیعه و فعال سیاسی اجتماعی در بحرین است. او سابقه تحصیل در حوزه علمیه قم و نجف و شاگردی شهید آیت‌ا سید محمدباقر صدر را دارد و مدتی عضو مجلس قانون‌گذاری و مجلس ملی بحرین بوده است. شیخ عیسی قاسم، پس از جدایی بحرین از ایران در سال ۱۹۷۱م و تشکیل پارلمان تدوین قانون اساسی بحرین، به عنوان یکی از نمایندگان آن انتخاب شد و در کنار جریان اسلام‌گرای پارلمان، در تدوین مواد و بندهای اسلامی در قانون اساسی

بحرین نقش ایفا کرده است. وی همچنین عضو اولین دوره مجلس ملی بحرین بوده است. شیخ عیسی قاسم با توجه به سوابق علمی و مبارزاتی، در میان شیعیان بحرین جایگاه ویژه‌ای دارد و رهبر شیعیان بحرین در جریان بیداری اسلامی دانسته می‌شود. دولت بحرین در ادامه فشارهای خود بر شیخ عیسی قاسم، در ۳۱ خرداد ۱۳۹۵ از وی سلب تابعیت کرد. این اقدام، واکنش‌هایی در داخل بحرین و در سطح بین‌الملل به دنبال داشت. وی هم اکنون در قم ساکن است. (بنگرید به:عیسی احمد قاسم، سایت ویکی شیعه)

درباره تاریخ بحرین و نقش استعمار انگلیس و رژیم پهلوی و وابستگان استعمار در جداسازی آن از ایران مطالب متنوعی در همین سایت درج گردیده است که با جستجوی کلمه «بحرین» قابل دسترسی است.

[54] . رفیعی قهساره، ابوذر (1402). هماهنگ‌ساختن مذهب با سیاست خارجی؛ مطالعه موردی امارات متحده عربی. فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست، دوره دوازدهم، شماره 45، ص 215.

[55] . برخی بر این باورند که پیشینه تشیع در امارات، به قبیله بحارنه برمی‌گردد که ممکن است در حدود سیصد سال پیش با قبول مذهب شیعه از قبایل نعین به وجود آمده باشد. برخی دیگر معتقدند شیعیان این کشور، از ساکنان اصلی و بومیان ناحیه هستند و برخی دیگر اعتقاد دارند ورود شیعه به امارات، با اوج صنعت صید مروارید در این کشور و ورود بازرگانان ایرانی و هندی به آنجا همراه بوده که دور از انتظار نیست. ر.ک: ارزانی، حبیب‌رضا و سادات‌کشاورز، زهرا (1395). شیعیان امارات متحده عربی. فصلنامه شیعه‌شناسی، سال چهاردهم، شماره 54، ص 63.

[56] . ارزانی، حبیب‌رضا و سادات‌کشاورز، زهرا (1395). شیعیان امارات متحده عربی. فصلنامه شیعه‌شناسی، سال چهاردهم، شماره 54، ص 78.

[57] . یمن در دوران جنگ سرد به یمن جنوبی و یمن شمالی تقسیم شده بود که یمن جنوبی متحد اتحاد جماهیر شوروی (بلوک شرق) و یمن شمالی متحد ایالات متحده آمریکا (بلوک غرب) به شمار می‌رفت. با پایان جنگ سرد و فروپاشی نظام دوقطبی، دو دولت یمنی در سال 1990م (1369ش) متحد شدند.

[58]. هدایتی شهیدانی و بابایی، همان، ص 129.

[59] . ستوده آرانی، محمد و جعفری‌فر، احسان (1397). بازتاب انقلاب اسلامی ایران بر نقش منطقه‌ای عربستان (با تأکید بر بحران سوریه و یمن). تاریخ‌نامه انقلاب، سال دوم، دفتر اول، شماره 3، ص 52.

[60] . جریان الحوثی در یمن از نظر فکری متأثر از انقلاب اسلامی بوده است. به طوری که حسین الحوثی رهبر این جریان در سخنرانی‌های خود مدام بر برائت از مشرکین، روز قدس، لزوم مبارزه با استکبار و مبارزه با رژیم صهیونیستی سخن می‌گفت. شعار چهار بندی انصارالله یمن در قالب (مرگ بر آمریکا، مرگ بر اسرائیل، لعنت بر یهود و یاری اسلام) که منبعث از افکار انقلاب اسلامی ایران است، در اغلب سخنرانی‌های رهبران این گروه از جمله عبدالملک بدرالدین الحوثی رهبر کنونی این گروه دیده می‌شود و این رهبران در سخنان خود آشکارا از امام خمینی، روز قدس، روز عاشورا، امام علی، مبارزه با صهیونیسم، استکبارستیزی و در مجموع مبانی شیعی و انقلابی سخن می‌گویند و از آن‌ها دفاع می‌کنند. رهبران جنبش حوثی یمن که بعدها نام انصارالله را بر خود گذاشتند، در ادوار مختلف همواره از انقلاب اسلامی ایران و اندیشه رهبران آن تأثیر می‌پذیرفتند و پیرو ایشان بوده‌اند. به طوری که سید حسین بدرالدین حوثی اولین رهبر این جنبش، خود یکی از مریدان و پیروان امام خمینی بود. این ارتباط فکری در سال‌های اخیر نیز ادامه یافته است؛ برای نمونه در 22 مرداد 1398 ضمن دیدار هیئت جنبش انصارالله با آیت‌الله خامنه‌ای، سخنگوی جنبش (محمد عبدالسلام) ضمن ابلاغ سلام‌های گرم آقای سیدعبدالملک بدرالدین رهبر جنبش انصارالله و همه مجاهدان و رزمندگان یمنی خطاب به رهبر انقلاب اسلامی گفت: ما ولایت شما را امتداد خط پیامبر اسلام(ص) و ولایت امیرالمومنین(ع) می‌دانیم و مواضع حیدری و علوی شما در حمایت از مردم مظلوم یمن را ادامه خط امام خمینی و مایه برکت و بسیار روحیه‌بخش می‌دانیم.

https://farsi.khamenei.ir/news-content?id=43236

[61] . قاسمی، بهزاد (1398). تحلیل بازتاب انقلاب اسلامی ایران در یمن بر اساس نظریه پخش. فصلنامه پژوهش‌های انقلاب اسلامی، انجمن علمی انقلاب اسلامی ایران، سال هشتم، شماره 31، ص 183.